

## چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه

حیدر جانعلیزاده چوب بستی<sup>۱</sup>

### چکیده

چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت عبارت از آن آفات، نقایص، خلأها، توهمات و موانعی است که در راه درک، معرفی، پرورش و توسعه‌دهی این فرهنگ (ماهیت، ضرورت و اهمیت، آثار و کارکردهای آن و نیز عوامل تأثیرگذار بر این فرهنگ) در جامعه و در میان افشار و گروه‌های اجتماعی وجود دارد. هدف اساسی مقاله‌ی حاضر جستجوی علمی برای پاسخ به این پرسش است «از منظر آسیب‌شناسی، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه با چه چالش‌هایی مواجه است؟». با ابتناء بر الگوی پیوستار ذهنی - عینی سطوح واقعیت اجتماعی (چارچوب مفهومی) و فراتحلیل یازده مقاله‌ی چاپ شده در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (۱۳۸۶ - دانشگاه مازندران) می‌توان نتیجه گرفت که ترویج فرهنگ مذکور از دو مجموعه موانع و آسیب‌های ذهنی (۴ مورد) و عینی (۶ مورد) رنج می‌برد. این مقاله ضمن اشاره به ضرورت‌های پرداختن به چالش‌های ترویج این فرهنگ و پیامدهای منفی این چالش‌ها، راه‌حلهایی را جهت کاهش و رفع این آسیب‌ها معرفی می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، چالش‌ها؛ فراتحلیل؛ آسیب‌شناسی؛ رسانه‌های جمعی

## مقدمه و طرح مساله

ایثار و شهادت از جمله ارزش‌های کلیدی و اثر گذار اسلامی است. وجود روحیه‌ی ایثارگری و شهادت‌طلبی در عرصه‌ی روابط اجتماعی، سرمایه‌ای عظیم و قابل اتکایی است که می‌تواند تحقق اهداف انسان‌دوستانه و خداپسندانه را تسهیل نماید و به شکل‌گیری و توسعه‌ی جهانی حق‌مدار، ظلم‌ستیز، عدالت‌محور، برخوردار از آزادی و بهره‌مندی از محبت کمک اساسی بنماید. مهم‌تر از این نیز می‌توان ادعا نمود که تعهد به روحیه‌ی ایثارگری و شهادت‌طلبی است که تأثیری اساسی بر حفظ و بالندگی دین مصطفوی و متمیم مکارم اخلاقی داشته است.

در نگاهی واقع‌بینانه به تاریخ حیات اجتماعی بشر و تحلیلی منطقی از حوادث و وقایع اجتماعی می‌توان به شواهدی استناد نمود که گزاره‌ی مذکور را حمایت می‌کند. مقاومت پیامبر اکرم (ص) و اصحابش در شعب ابی‌طالب، پیروزی خون بر شمشیر در حادثه‌ی عاشورا، ظفرمندی لشکر اسلام در هشت سال دفاع مقدس، پیروزی حزب‌الله در جنگ نابرابر ۳۳ روزه‌ی لبنان، مقاومت خونین و سرافرازانه‌ی فلسطینیان در غزه از جمله نمونه‌های گویا و روشنی است که اعتبار گزاره‌ی اشاره شده را تأیید می‌کند. بر این اساس، گرایش، باورمندی و تعهد به ایثار و شهادت از نیازهای حیاتی جامعه‌ی اسلامی و جهان اجتماعی است. از طرف دیگر فقدان یا کمبود تعلق و پایبندی به ایثار و شهادت در عرصه‌های مختلف می‌تواند در شکل‌گیری و گسترش مظاهر فساد و تیره‌بختی از جمله فقر، تبعیض، ظلم، ذلت و حقارت اجتماعی تأثیرگذار باشد.

بنابراین انجام پژوهش‌های علمی برای آگاهی از فرصت‌ها و عوامل اثر گذار بر بالندگی و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت، موانع و چالش‌های ترویج آن و نیز سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر نتایج این پژوهش‌ها ضروری می‌نماید. خلأ مطالعات علمی در این موضوعات احساس می‌شود و جستجوهای انجام شده وجود کمبود پژوهشی را در این زمینه‌ها نشان می‌دهد. هدف این مقاله کسب آگاهی علمی از چالش‌های ترویج این فرهنگ از طریق فراتحلیل مقاله‌های چاپ شده در مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (۱۳۸۶ - دانشگاه مازندران) است.

## روش: فراتحلیل

فراتحلیل چیست؟ تلاش‌های قابل ملاحظه‌ای برای روشن‌سازی این مفهوم از طرف برخی دانش‌پژوهان انجام شده است. از نظر رضائیان، در فراتحلیل «پژوهشگر، نتایج تعدادی از مطالعات اولیه را برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهشی خود با یکدیگر ترکیب نموده و نتیجه‌ی جمعی جدیدی را به دست آورد. مهم‌ترین مزیت مطالعات فراتحلیل این است که آن‌ها با ادغام

کردن نتایج مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنی دار افزایش می دهند (سیاهپوش، ۱۳۸۷: ۱۰۲ به نقل از رضائیان: ۱۳۸۵)

دلاور فراتحلیلی را به عنوان یک روش می بیند. «فراتحلیلی روشی است که به کمک آن می توان تفاوت های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد، و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست» (دلاور، ۱۳۷۶: ۲۸۷). این اندیشمند معتقد است در این روش دو فعالیت: ۱. تحلیل (شکستن کل به اجزای منتلف به منظور تعیین ماهیت آن) و ۲. تغییر و تبدیل و ترکیب انجام می گیرد. «در روش فراتحلیلی هر دو فعالیت انجام می شود: ابتدا از طریق شکستن اجزای کل به ماوراء و فراتر از کل اولیه می رسمیم، و سپس تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می کنیم که یافته های نامناسب در چارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان می دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می شوند، و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می دهند» (همان، ۲۸۸).

محقق دیگری نیز به نکات فوق اشاره نموده است. «فراتحلیل چیزی جز ترکیب و تجمیع یافته های متنوع و متمایز نیست. در حقیقت محقق با گردآوری و استخراج نتایج مربوط به تحقیقات منفرد سعی می کند با مقایسه ی داده های طرح ها و نیز با ترکیب و تجمیع بخشی از نتایج، به سوالات مربوط به موضوع پاسخ دهد. آنچه محقق به آن دست می یابد نه صرفاً یک جمع بندی کمی و نه یک تحلیل ذهنی است، بلکه هم تجمیع داده ها و هم تحلیل نتایج و هم ترکیب عناصر گوناگون اهمیت دارد» (سیاهپوش، ۱۳۸۷: ۱۰۳). بر این اساس، از فراتحلیل می توان به عنوان یک تکنیک یاد نمود؛ فنی که از طریق آن می توان مجموعه ای از مطالعات مربوط به موضوعی خاص (مثل مطالعات مربوط به سرمایه ی اجتماعی در ایران) را با هدف مشخص سازی ابعاد مشابه و متفاوت نیز تحلیل و تجمیع نقاط مشترک و متمایز مورد بررسی و نتیجه گیری قرار داد.

مطابق این برداشت از مفهوم فراتحلیل، این مقاله به فراتحلیل مقالاتی پرداخته است که در مجموعه ی مقالات همایش آسیب شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (۱۳۸۶) - دانشگاه مازندران) به چاپ رسیده و توجه خویش را بر بررسی موانع ترویج این فرهنگ متمرکز ساخته اند. با توجه به این معیارها، به طور مشخص ۱۱ مقاله از این مجموعه به عنوان جامعه ی آماری انتخاب شدند که عناوین آنها در زیر آمده است:

۱. آسیب شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت.
۲. راهکارهای احیای فرهنگ ایثار و شهادت.
۳. آسیب ها و عوامل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در اسلام.

۴. مردم، فرهنگ ایثار و شهادت و آسیب‌شناسی آن.
۵. آسیب‌شناسی یک مرگ (خودکشی) و تکریم مرگی دیگر (شهادت).
۶. همسران شهدا، مروجان اصلی فرهنگ ایثار و شهادت.
۷. توهم اجتماعی در تجلیل از ایثارگران جنگ: تجربه جهانی.
۸. شناسایی عوامل و موانع ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (مطالعه‌ی موردی: استان گلستان).
۹. کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و ترویج و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت.
۱۰. نقش هنر گرافیک در ترویج و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت.
۱۱. آسیب‌شناسی ادبیات داستانی جنگ.

### چارچوب مفهومی پژوهش

در موضوع «آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه»، رویکردهای علمی خاصی مشاهده و تدوین نشده است. اما شاید بتوان با نظر به ابعاد و سطوح واقعیت اجتماعی و با ایتناء بر تلاش‌های جامعه‌شناس فرانسوی؛ ژرژ گوروچ و کوشش‌های توسعه‌دهنده‌ی جامعه‌شناسی دیگر؛ جرج ریتزر از الگوی پیوستار ذهنی- عینی سطوح واقعیت اجتماعی برای تحلیل انواع و طیفی از آسیب‌های اجتماعی و از جمله چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه بهره جست. در این الگو، واقعیت‌های اجتماعی بر حسب عینی بودن یا ذهنی بودن یا برخورداری از هر دو جنبه عینی و ذهنی در این پیوستار قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، پدیده‌های اجتماعی یا عینی هستند (وجودی مادی و واقعی دارند) یا ذهنی (در قلمرو افکار وجود دارند و وجود مادی ندارند) یا از هر دو عنصر عینی و ذهنی برخوردارند.

ریتزر در این خصوص می‌نویسد «یک پدیده‌ی اجتماعی عینی کلاً وجودی عینی و مادی دارد. کنشگران، کنش، کنش متقابل، ساختارهای دیوان‌سالارانه، قوانین و دستگاه‌های دولتی را می‌توان به عنوان پدیده‌های اجتماعی عینی در نظر گرفت. دیدن، لمس کردن و ترسیم همه‌ی این پدیده‌های عینی امکان‌پذیر است. اما پدیده‌های اجتماعی دیگری نیز هستند که تنها در قلمرو افکار وجود دارند و هیچ‌گونه وجود مادی ندارند.» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳ - ۶۴۲). وی هنجارها، ارزش‌ها و بسیاری از عناصر فرهنگ را در این دسته قرار می‌دهد. «مسأله‌ی پیوستار ذهنی- عینی، این است که پدیده‌های بسیاری در میانه این پیوستار وجود دارند که هم از عنصر ذهنی برخوردارند و هم از عنصر عینی. برای مثال خانواده هم وجود مادی واقعی دارد و هم از یک رشته تفاهم‌های متقابل، هنجارها و ارزش‌های ذهنی برخوردار است.» (همان، ۶۴۳).

مطابق این دسته‌بندی و پیوستار ذهنی- عینی سطوح واقعیت‌های اجتماعی، این پرسش قابل طرح است که آیا آسیب‌ها و چالش‌های مربوط به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، که در مقالات

جزء جامعه‌ی آماری این پژوهش مد نظر قرار گرفتند، در کدام مجموعه از آسیب‌ها و موانع (۱). عینی، ۲. ذهنی، و ۳. عینی و ذهنی) قرار می‌گیرند؟ تشریح و تحلیل این آسیب‌ها و چالش‌ها می‌تواند به پاسخ این پرسش منتهی شود.

### چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

در این بخش آسیب‌ها، موانع و نقیصه‌هایی که در مقالات جزء جامعه‌ی آماری این پژوهش در خصوص ترویج فرهنگ ایثار و شهادت مورد نظر قرار گرفتند، تشریح می‌شوند.

۱. وجود تصور ناصحیح و غیرواقعی از معنای ایثار و شهادت در جامعه. کج‌فهمی در تعریف مفهوم ایثار و شهادت و یکی گرفتن آن با جنگ‌طلبی، خون‌ریزی و متعارض دانستن آن با صلح و صلح‌طلبی و یکی دانستن شهادت به عنوان نوعی خودکشی آفتی است که با حقیقت ماهوی این مفاهیم منافات دارد. این نقیصه‌ها مورد توجه شعاع‌احمدی و منصورنژاد قرار گرفتند. «امروزه به جهت موانعی چون تک‌بعدنگری به موضوع و عدم پردازش و تأویل صحیح مفهوم ایثار و شهادت و گاه چینش ناصحیح آن با مفهوم جنگ و خون‌ریزی، این فرهنگ غنی و عمیق با مفهوم واقعی خویش بیگانه و دور از دسترس می‌نماید. مفاهیمی که شایسته است در زمان صلح بیشتر رخ نماید.» (شعاع احمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

در فرهنگ اسلامی، ایثار و شهادت معنای ویژه دارد. ایثار عبارت از بذل نمودن چیزی با ارزش در عین نیاز به دیگری برای خداست. در این تعریف سه نکته‌ی اساسی وجود دارد: ۱. این که در ایثار چیزی با ارزش به دیگری هدیه می‌شود، ۲. در عین داشتن نیاز، این هدیه انجام می‌شود، و ۳. این هدیه با نیت قربت الی‌الله صورت می‌گیرد. شهادت در فرهنگ اسلامی به معنای خودکشی، کشته شدن برای خود و یا کسب اعتبار اجتماعی نیست، بلکه آن انتخابی آگاهانه و بر اساس اختیار و اراده در عبور از جان خویش و کشته شدن در راه خدا برای دفاع از دین او و گسترش آن است. بر این اساس، شهادت در واقع نوعی ایثار و بالاترین نوع ایثار است.<sup>۲</sup> «دو شاخص عمده‌ی مرگ شهادت‌طلبانه یکی دخالت عنصر انتخاب و اختیار است و دیگری قربت الی‌الله بودن و فقط برای رضای خدا انجام دادن عمل است. چون شهادت از افعال عبادی

۲. "بی شک شهدا از مصادیق ایثارگراند، ان هم از بالاترین مصادیق ایثارگران؛ زیرا از جمله حقوق آدمی، حق او نسبت به جان و حیات او است که در مقایسه با مادی و ... در اولویت می‌باشد. شهید کسی است که حاضر می‌شود از مهمترین حقوق خود (حق حیات) در راه خدا برای احیای دین الهی و جامعه اسلامی و دفاع از امنیت و حقوق سایرین، بگذرد. اقدامی که شعور، ادراک، احساس و جسارت فوق العاده می‌طلبد و انتخاب و آزمون چنین مسیری از هر فرد ساخته نیست. لذا شهدا الگو و پیشتاز ایثارگراند" (منصور نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

است<sup>۳</sup>» (منصورنژاد، ۱۳۸۶: ۱۵۹). البته قابل تأکید است که فقدان جهان‌بینی اسلامی و عدم اعتقاد به خدا و روز رستاخیز و برگزیدن جهان‌بینی مادی باعث می‌شود که شهادت با خودکشی یکی دانسته شود. یکی از موانع ایثار، نداشتن ایمان به خدا و روز رستاخیز است. کسی که به جهان‌بینی مادی اعتقاد دارد و زندگی را فقط در همین دنیا می‌داند، ایدئولوژی و رفتار خاص مطابق با جهان‌بینی بر می‌گزیند. بدیهی است که جهان‌بینی مادی، درس ایثار و از خود گذشتگی به انسان نداده و ایثار را مساوی با جنون و دیوانگی و انتحار می‌داند (ربیع نتاج، ۱۳۸۶: ۹۴).

**۲. فقدان تصور صحیح از چگونگی تخصیص سهمیه‌های اشتغال و تحصیل به خانواده‌های شهدا و ایثارگران در جامعه.** این تصور در بخش قابل ملاحظه‌ای از جامعه وجود دارد که بخش بزرگی از عدم اشتغال جوانان و عدم قبولی دانش‌آموزان در دانشگاه به دلیل اختصاص سهمیه‌ها به ایثارگران و خانواده‌های شهدا است، در حالی که مشکل بی‌کاری و عدم قبولی در دانشگاه در واقع به تخصیص سهمیه‌ها بر نمی‌گردد<sup>۴</sup>. بزرگ‌نمایی و تبلیغ کاذب این موضوع (تخصیص سهمیه‌ها) در جامعه به شکل‌گیری و توسعه‌ی گرایش منفی به ایثارگران کمک زیادی نموده و موجب ناراحتی و دل‌سردی بسیاری از ایثارگران شده است. ضمن این‌که این تصور غیرواقعی سبب شده است خود ایثارگران احساس ضرر و حقارت نمایند و به همین خاطر سهم قابل ملاحظه‌ای از آنان از ابراز استفاده از سهمیه‌ی مربوطه خودداری کرده و اعلام آن‌را مایه‌ی تحقیر و تهمت اجتماعی بدانند.

**۳. بی‌رغبتی یا کم‌اشتیاقی خانواده‌های شهدا و ایثارگران و وابستگان اصلی آن‌ها به بیان هویت ایثارگری خویش.** تجارب متعدد نویسنده و نتیجه‌ی برخی از پژوهش‌ها از این یافته حمایت می‌کند. یافته‌های تحقیقاتی آهنگر سلابنی در خصوص همسران شهدا نشان می‌دهد که ۶۳/۳ درصد از همسران شهدا، هویت همسر شهید بودن‌شان را در همه‌جا مخفی می‌کنند و ۴۲/۶ درصد در محل کار و ۳۸/۸ درصد در بین همسایگان و ۵۸/۶ درصد در مجالس زنانه اقدام به این کار می‌کنند (۱۳۸۶: ۱۹۷).

۳. اما در یک نگاه دینی، شهادت، فعل عبادی است که با قصد قربت صورت می‌گیرد. از آن‌رو فرد از مرگ استقبال می‌کند که فرمان خداست و به خدا نزدیک شدن را در پی دارد. به لقای او رسیدن غایت می‌باشد (منصورنژاد، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

۴. احمدی در مقاله‌ی خویش به این موضوع پرداخته است و به‌طور روشن انواع سهمیه‌ها، درصد و چگونگی پذیرش ایثارگران و خانواده‌های شهدا را در دانشگاه توضیح داده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۲).

۴. وجود توهم اجتماعی در تجلیل از ایثارگران و بازماندگان جنگ در جامعه. واقعیت آن است که در جامعه‌ی ما نه فقط به خانواده‌های شهدا و ایثارگران خدمات و تسهیلات فراوان و فوق‌العاده‌ای داده نمی‌شود، بلکه در موارد قابل ملاحظه‌ای، مجموعه‌ی مذکور از نیازمندی‌های ضروری و حیاتی نیز محروم هستند. این مهم وقتی روشن‌تر می‌شود که میزان و نوع تسهیلات و خدماتی که در ایران به خانواده‌های شهدا و ایثارگران ارائه می‌شود با آنچه در کشورهای جهان به رزمندگان و بازماندگان آن‌ها ارائه شده و می‌شود، مقایسه گردد.<sup>۵</sup> این در حالی است که در جامعه این تصور وجود دارد که خانواده‌های شهدا و ایثارگران از خدمات و تسهیلات ویژه‌ای استفاده می‌کنند (توهم اجتماعی). رضایی و همکارانش در تحقیقی به این موضوع اشاره و پیامدهای منفی آن را نیز متذکر شده‌اند: «در نظر عامه‌ی مردم، این مسأله وجود دارد که جامعه‌ی ایثارگر (خانواده‌های شهدا، جانبازان، و آزادگان) از امکانات بی‌حد و حصر نظام استفاده می‌نماید که در مواردی، این نگرش باعث ایجاد دیدگاه‌های منفی در جامعه شده است و حتی برای خود اعضای جامعه‌ی ایثارگری نیز مشکل‌آفرین است. و این در حالی است که فرزندان شهید، خود تلاش‌گرانی خستگی‌ناپذیر بوده‌اند؛ اما می‌توان گفت که بین تصور با واقعیت در مورد جامعه‌ی ایثارگری، تفاوت معنادار وجود دارد که همین تصورات غلط و کم‌توجهی نسبت به جامعه‌ی ایثارگری، باعث گرفتار شدن بعضی از ایثارگران به انحرافات اجتماعی (اعتیاد و...) و مشکلات روانی و... شده‌اند» (۳۸۶: ۱؛ ۳۲۰). شارع‌پور نیز در این خصوص می‌نویسد: «پس از گذشت حدود دو دهه از پایان دوره‌ی دفاع مقدس به مرور زمان، نوعی توهم اجتماعی در خصوص تجلیلی از ایثارگران پدید آمد و تصور برخی از مردم جامعه بر

۵. دکتر شارع‌پور به برخی از تسهیلاتی که در کشورهای آمریکا، استرالیا، انگلیس، و کانادا به رزمندگان و بازماندگان و یا افراد تحت تکفل آنها ارائه می‌شود، اشاره کرد. به عنوان مثال، وی نوع و میزان تسهیلاتی که به رزمندگان و بازماندگان و یا افراد تحت تکفل آنها (به تناسب وضعیت اثارگری و یا وابستگی به آن) در آمریکا داده می‌شود را تحت دوازده مقوله به شرح زیر تشریح کرده است: ۱. مراقبت‌های بهداشتی، ۲. غرامت معلولیت، ۳. حق بازنشستگی، ۴. آموزش و دوره‌های یادگیری، ۵. تضمین وام خانه، ۶. بیم عمر، ۷. تسهیلات مربوط به خاک سپاری و مراسم یادبود، ۸. برنامه کمک به انتقال، ۹. غرامت بیکاری، ۱۰. اولویت استخدامی، ۱۱. مرکز کمک به فعالیتهای کوچک مقیاس، ۱۲. تسهیلات مربوط به بازماندگان و افراد تحت تکفل (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۴۳-۲۲۳). نویسنده با بیان تجربه کشور های آمریکا، استرالیا، انگلیس، و کانادا در موضوع عنوان شده، متذکر این نکته مهم می‌شود که مجموع مباحث فوق که فقط بخشی از تسهیلات پیش‌بینی شده را شامل می‌شود، به وضوح نشان می‌دهد که جوامع و دولت‌ها در این زمینه، مسؤولیت زیادی برای خود متصور هستند. هدف از این تسهیلات، تضمین سلامت جسمی و روانی افراد شرکت‌کننده در جنگ است. در تمام این تسهیلات، هدف اصلی، تأمین استقلال فرد است. این که فرد بتواند بدون اتکا به دیگران، زندگی مستقلی داشته باشد. استقلال در زندگی نیز وابسته به سه عامل است: توان اقتصادی، سلامتی، و انسجام اجتماعی. تسهیلات ارائه شده به افراد به دنبال تأمین این سه هدف است تا با تحقق آنان، فرد بتواند از زندگی مستقلی برخوردار باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۴۷).

این است که این گروه از تسهیلات و امکانات بیش از حدی برخوردارند. عدم نگرش صحیح و مثبت در مورد ارائه خدمات به ایثارگران و جانبازان می‌تواند آسیب‌های متعددی به فرهنگ ایثارگری وارد نماید. بروز چنین آسیبی نه‌تنها سبب شکاف اجتماعی بین توده‌ی مردم و ایثارگران می‌شود؛ بلکه حتی می‌توانند برای آینده‌ی کشور نیز مضر باشد. بروز این سوءتفاهم از یک‌سو ناشی از عوامل خاصی است که در تعامل با هم به شکل‌گیری آن در طول زمان کمک می‌کنند. از سوی دیگر مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های اجتماعی می‌توان با مطالعه و شناسایی آن به رفع یا اصلاح آن کمک نمود. از جمله عواملی که سبب بروز توهم اجتماعی در نحوه‌ی تجلیل از ایثارگران شده است. همانا فقدان اطلاع‌رسانی شفاف و صادقانه از طریق رسانه‌های جمعی در مورد خدمات و سرویس‌هایی است که در کشورهای دیگر نسبت به این گروه ارائه می‌شود» (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۲۸). وجود چنین توهم اجتماعی در جامعه به توسعه‌ی احساس تبعیض اجتماعی کمک خواهد نمود و این احساس به نوبه‌ی خود باعث موضع‌گیری منفی و احساس تنفر به جامعه‌ی ایثارگری خواهد شد. تحقق چنین احساسی به تحقق شکاف اجتماعی منجر و به امنیت جامعه صدمه خواهد زد.

**۵. عدم تلاش کافی و گسترده در ایجاد مراکز، موزه‌ها، مکان‌ها و نمادها و حفظ آثار بجای مانده از جنگ و ایثارگران در سراسر کشور.** عناصر یاد شده می‌توانند در زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره‌ی شهدا و ایثارگران و خادمان و دوست‌داران آن‌ها کمک اساسی بنمایند و نسل جوان حال و آینده را به گذشته‌ی غرورانگیز خویش آشنا، حساس، و متعهد سازد و بدین طریق فرهنگ ایثارگری را حفظ کرده و به ادامه‌دهی راه آنان تشویق نماید. «در هر جامعه‌ای آثار به‌جا مانده از گذشته می‌تواند برای حال و آینده‌ی جامعه مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. تداعی آن تنها موجب تذکر انسان‌هایی می‌شود که از زحمات گذشتگان خود استفاده می‌کنند و برای آنان نشان و علامت هستند. آثار به‌یاد ماندنی از ایران باستان، ما را با ایران کهن آشنا می‌کند، لذا عدم توجه به آثار زمان انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، خسارتی را برای جامعه به بار خواهد آورد و می‌تواند باعث استحاله‌ی فرهنگی و تاریخی گذشته‌ی ملت گردد و به فراموشی باورهای گران‌بار ارزشی منجر شود» (صمیمی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). در واقع، انجام و توسعه‌ی این اقدامات و فعالیت‌ها، نوعی تقدیر از ایثارگران و مجاهدان عرصه‌ی ایثار و شهادت است. «پیش‌فرض دولت‌ها و جوامع از احداث موزه‌ها و بناهای یادبود جنگی، این است که اشیای مادی بر حافظه‌ی ملت‌ها تأثیر مهمی دارند. به عبارت دیگر بناها، ابزاری برای انتقال معانی از یک نسل به نسل دیگرند» (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۲۹).

۶. شارع‌پور به نمونه‌هایی از این بناهای یادبود و موزه‌ی جنگ در کشورهای استرالیا، کانادا و انگلستان اشاره می‌نماید. "موزه جنگ استرالیا دارای سه مجموعه یادگاری است: اسناد مکتوب، جام‌ها، و اسناد تصویری. این موزه‌ها بعداً به عنوان یادگار



۶. اندک بودن آثار نوشتاری، شنیداری، تصویری، و تحقیقاتی مربوط به موضوع فرهنگ ایثار و شهادت و نیز پایین بودن میزان استفاده از این آثار نسبت به سایر موضوعات. یافته‌های تحقیقاتی آهنگر سلابنی (۱۳۸۶) به وجود چنین نقیصه‌ای اشاره داشته است. وی با مقایسه تعداد کتاب‌های رمان به فروش رفته در چندین کتاب‌فروشی با تعداد کتاب‌های به فروش رفته در خصوص خاطرات شهدا در سال ۱۳۸۵ (۶۳ برابر بیشتر بودن اولی نسبت به دومی)، درصد پایان‌نامه‌های نگارش شده و نگهداری شده در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در خصوص شهید، شهادت و خانواده‌های شهدا و بنیاد شهید (۵ درصد) نسبت به دیگر موضوعات، و نیز میزان استفاده از کتاب‌های خاطرات شهدا به نسبت کتاب‌های توزیع شده در اتوبوس شهر سعی می‌نماید به تأیید گزاره مذکور بپردازد.

۷. جدی نگرفتن مفاهیم، معانی، و اهمیت و عظمت شهدا و ایثارگران، و فرهنگ ایثار و شهادت و نیز آثار مثبت و مهم آن‌ها در کتب درسی. نتایج تحقیقاتی مهram و نبی‌زاده شهری (۱۳۸۶) و عرب زوزنی و سعیدی رضوانی (مهram و نبی‌زاده شهری به نقل از عرب زوزنی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵) خلأ اشاره شده را تأیید می‌نماید. «علی‌رغم تأکیدی که منابع دینی و رهبر فقید انقلاب اسلامی به توسعه‌ی ارزش‌های مبتنی بر ایثار و جهاد و شهادت قائل شده‌اند و اگرچه کسانی همچون علی‌پور (۱۳۸۵: ۴۴) جایگاه این فرهنگ را به عنوان قدرت نرم در دکترین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دانسته است و نقش و تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت را در هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی قدرت و توان دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد، درکی و غلام‌پور (۱۳۸۵: ۳۳۰) ادعا می‌نمایند که در سال‌های اخیر، ارزش‌های ایثار و شهادت رو به کم‌رنگ شدن نهاده است. عرب زوزنی و سعیدی رضوانی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای که در خصوص فرهنگ شهادت در کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی انجام دادند، نتیجه گرفتند که دانش‌آموزان، اطلاعات بسیار کمی از شهید و شهادت و ارزش‌های والای شهیدان دارند و کتاب‌های درسی باید که در شناساندن شهدا به آنان، نقش بیشتری را ایفا نماید. در بررسی آنان گزارش شده که از بین ابعاد مختلف شهید و شهادت که در کتاب‌های دینی سه دوره به آن‌ها اشاره شده، مفهوم شهید و شهادت، نه بار تکرار شده است

جنگ تغییر نام داد. در حال حاضر در این مجموعه، تمام اسناد جنگ‌هایی که استرالیا در آن درگیر بود، مثل سودان، آفریقای جنوبی، چین، کره، جنگ جهانی اول و دوم در آن نگهداری می‌شود. در کتابخانه آن می‌توان به خاطرات جنگ، گزارش عملیات و کپی اسناد جنگ دست یافت. نقشه‌ها، دست نوشته‌ها، متن اشعار، آهنگ‌های جنگی، پوسترها، تمبرها و عکس‌ها (بالغ بر ۲۴۰ هزار نگاتیو)، مقالات و اخبار روزنامه‌ها بخش دیگری را به خور اختصاص داده‌اند. بیش از ۶۵ هزار جلد کتاب در قفسه‌های آن یافت می‌شود. در بخش دیگری از آن، کتابچه‌ها و راهنماهای مربوط به آموزش نظامی، انواع سلاح‌ها و تجهیزات جنگی نگهداری می‌شود. به طور کلی، مجموعه‌های یادبود جنگ، حضور چشمگیری در چشم‌انداز شهرهای مهم استرالیا دارد (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۳۱-۲۲۹).

که بیش از سایر ابعاد است و کمتر از همه‌ی ابعاد، کارکرد اجتماعی شهید بوده که سه‌بار تکرار شده است. در کتاب‌های درسی از بین ویژگی‌های مختلف مورد بررسی به شهادت‌طلبی در کل دوره‌ها نهم‌بار اشاره شده که بیشترین اشاره در کتاب دینی پایه‌ی اول (شش‌بار) بوده است. به زعم این پژوهشگران، صفاتی چون حقیقت‌جویی، شجاعت، صبر و استقامت، دین‌داری، ذلت‌ناپذیری، و عزت و بزرگی شهید و شهادت در کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی مورد غفلت قرار گرفته است» (مهرام و نبی‌زاده شهری، ۱۳۸۶: ۳۲۶-۳۲۵). این در حالی است که آموزش و پرورش و مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در فرایند زندگی و اجتماعی کردن انسان‌هاست؛ و چنان‌چه در این دوره از زندگی، انسان خوب تربیت شود، سلامت فردی، اجتماعی و دینی جامعه تا حدود قابل ملاحظه‌ای تضمین خواهد شد و در رابطه با موضوع این مقاله، با لحاظ کردن ارزش‌های ایثارگری در کتب درسی و آموزش صحیح آن از طریق مدرسه می‌توان به پرورش روحیه‌ی ایثارگری و شهادت‌طلبی کمک نمود.

۸. **عدم به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای نوین تبلیغاتی در استفاده از هنر گرافیک<sup>۷</sup> برای تبلیغ و اشاعه‌ی فرهنگ ایثار و شهادت.** این هنر در معرفی و تعمیق فرهنگ ایثار و شهادت می‌تواند بسیار مؤثر باشد. یکی از علل این امر به خصوصیت ذاتی این هنر بر می‌گردد. «از میان هنرهای مرسوم در سرزمین ما، هنر گرافیک بیش از هنرهای دیگر توانسته در پیش‌برد اهداف متعدد با جامعه‌ی اسلامی و سیر تاریخی آن همگام گردد و علت آن را باید در ماهیت هنر گرافیک- این ابزار بیانی مؤثر- جستجو نمود؛ یعنی، در خصوصیت ذاتی آن. طراحی پوستر، طراحی نشانه (آرم)، تصویرسازی، گرافیک دیواری، طراحی تابلوهای شهری (بیلبوردهای تبلیغاتی) و بزرگراه‌ها همگی به عنوان شاخه‌های مهم هنر گرافیک از قابلیت‌های بیانی خاصی در جهت تبلیغات برخوردارند و حداقل در سه دهه‌ی اخیر پاسخ‌گوی نیاز جامعه و اندیشه‌های انقلاب اسلامی بوده‌اند و از آن‌جا که مخاطبین هنر گرافیک، عامه‌ی مردم و جامعه‌ی انقلابی هستند و هنرمندان گرافیک در خدمت فعالیت‌های فرهنگی و اعتقادی دوران هشت سال دفاع مقدس بوده و همواره در راه اهداف پاک ایثارگران جامعه واکنش خوبی نشان داده‌اند و سعی داشته از این ابزار مؤثر تبلیغاتی در انتقال واقعیت‌های اجتماعی کشور به ویژه آرمان‌های انقلاب، هنرمندان تعهد خود را به اثبات رسانند. البته هنر گرافیک در گذر زمان به ویژه پس از دوران انقلاب در ترویج و تبلیغ فرهنگ ایثار و شهادت علاوه بر آن که به بخش مهمی از هویت فرهنگی و معنوی جامعه پاسخ داده، همواره با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده است. هنرمندان این رشته به جای بهره‌گیری از واژه‌ها و کلمات با «زبان تصویر»، همواره در اشاعه‌ی ارزش‌های

۷. هنر گرافیک مجموعه آثار تصویری قابل تکثیر هستند که با بهره‌گیری بصری از پوستر، نشانه (آرم)، محور سازی کتاب‌ها، طراحی حروف و غیره پیام خاصی را به مخاطبان انعکاسی (انعکاس) می‌دهد (اعظم‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۷۵).

اخلاقی و مفاهیم اعتقادی کوشیده‌اند؛ لیکن هوشیاری در استفاده از ابزارهای جدید و نرم‌افزارهای نوین تبلیغاتی، اهمیت ویژه‌ای داشته و دارد» (اعظم‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۷۱). این محقق ضمن با اهمیت دانستن این هنر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، به دو آفتی که این فرهنگ به دچار شده است نیز اشاره می‌نماید: ۱. تقلید و ۲. تکرار. وی در این خصوص می‌نویسد: «به نظر می‌رسد هنرمندان گرافیک در این فعالیت تبلیغی مؤثر به لحاظ ابزاری و بیانی، دچار تقلید یا تکرار شده باشند. از جمله وارد شدن در ورطه‌ی تصاویر تکراری و اثرگذاری ضعیف بر مخاطب و نیز همگام نبودن با ذهنیت پویا و احیاناً متغیر نسل جوان جامعه و متأسفانه امروزه هنرمندان گرافیک «در برخی موارد» با ترسیم طرح‌های ملال‌آور نظیر استفاده بیش از حد گل لاله (سمبل شهادت- که در دو دهه‌ی قبل کاربرد داشته است)، طرح کبوتر (سمبل رهایی و آزادی)، سیم‌های خاردار و نیزه‌های آغشته به خون- که همگی پاسخ‌گوی مخاطبین در گذشته بوده است- سعی در تبلیغ این فرهنگ غنی و پرمحتوی دارند؛ لیکن آیا می‌توان با علائم تصویری تکراری در برابر رسانه‌های تبلیغی قدرتمند نظیر اینترنت، وبلاگ‌های متنوع و تصاویر ماهواره‌ای مقابله نمود؟ به نظر می‌رسد هنرمندان گرافیک ضمن تعهد به آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی باید به شیوه‌های بیانی نوین و اثرگذار به ابزارهای نوین تجهیز گردند» (همان، ۳۷۲-۳۷۱).

**۹. ادبیات داستانی جنگ در ابعاد سه‌گانه‌ی (فرم، محتوا و تکنیک) دارای نقیصه‌هایی فراوانی است. خادمی کولابی در تحقیقی در هر حوزه به این نقیصه‌ها به تفکیک و ایجاز اشاره نموده است. از نظر این محقق ادبیات داستانی جنگ به لحاظ فرم دارای اشکالات زیر است:**

- در بسیاری از داستان‌های جنگ، ماجرای واحد با شیوه‌ای یکنواخت و کلیشه‌ای تکرار می‌شود.
- این ادبیات به صورت مستقیم به گزارش جنگ و جهاد پرداخت بدون اینکه لحظه‌های ناب حادث شده در میدان جنگ را بیابد و با زبانی هنرمندانه و با طراوت به روایت آن بپردازد.
- «ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به صورت مستقیم با هدف ساخت الگوی رفتاری همگانی و دیکته کردن آن بر مخاطبان، بسیاری از داستان‌های حوزه‌ی ایثار و مقاومت را در ابعاد بیرونی و درونی دچار سستی و ضعف مفرط گردانیده است» (خادمی کولابی، ۱۳۸۶: ۳۹۵).
- داستان‌های جنگ عمدتاً شتاب‌آلود، شعاری، احساساتی، جا نیفتاده، و پر از شاخ و برگ‌های اضافی هستند.

- همسانی، تکرار، تقلید و الگوبرداری از دیگران در داستان‌های جنگ به فراوانی دیده می‌شود. حد این اقدامات آن قدر زیاد است که نمی‌توان آن را تصادفی تصور نمود (خادمی، ۱۳۸۶).
- علاوه بر وجود نقایص شکلی در ادبیات داستانی جنگ، این داستان‌ها به لحاظ محتوا نیز به آفاتی مبتلا شدند که خادمی کولایی به آن‌ها توجه کردند. این آفات عبارتند از:
  - داستان‌ها در سطح ماندند و نتوانستند به صورتی کارآمد و غیر سوگیرانه به تصویر حقایق و زندگی مشارکت کنندگان در جهاد بپردازند.
  - دولتی کردن امر داستان‌نویس جنگ و رسوخ سیاست‌زدگی در این خصوص.
  - برخی داستان‌نویسان حوزه‌ی جنگ با رویکرد افراط و تفریطی دست به تناقض‌نویسی در خصوص جنگ زدند.
- در برخی موارد عرصه‌ی ادبیات داستانی جنگ به عرصه‌ی تسویه حساب‌های فکری و اعتقادی و تقابل غرض‌آلود فرهنگی بدل گردید.
- محتوای ادبیات داستانی جنگ نتوانست حقایق وقایع جنگی را آنچنان‌که اتفاق افتاده‌اند به تصویر کشند و منعکس سازند. دلیل عدم خلق آثار معتبر در خصوص جنگ به شیوه‌ی پدید آورندگان این آثار بر می‌گردد؛ آن‌ها به جای مشاهده‌ی مستقیم از شیوه‌ی غیرمستقیم استفاده کردند و محیط و فوع حادثه‌های جنگی را از نزدیک مشاهده نمودند. «برخی از نویسندگان داستان‌های جنگ، عطای افتخارات مخاطره‌آمیز عرصه‌های محاصمه و کارزار را به لقای سلامت و امنیت وجود خود بخشیدند»<sup>(۸)</sup>، غافل از آن که دیدن و شنیدن از اصلی‌ترین دریچه‌های روح آدمی برای دریافت محرک‌ها و پیام‌های بیرونی هستند<sup>(۹)</sup>. عدم مشارکت بعضی از نویسندگان در جنگ باعث شده که آنان در انعکاس جهان خاص رزمندگان و خلق لحظه‌های حسی و صحنه‌های نمایشی توفیق چندانی نداشته باشند؛ زیرا هنر انتقال حس تجربه شده است» (خادمی کولایی، ۱۳۸۶: ۴۰۱).
- برجسته‌سازی عوامل غیبی و غیرمادی حوادث جنگی در داستان‌های جنگی بدون فراهم‌سازی تمهیدات لازم و قانع‌کننده برای باورپذیر کردن این امور برای خوانندگان» در داستان‌های جنگ، توجه خاصی به نظام علیت غیرمادی که مبتنی بر عوامل غیبی و اموری چون دعا، نیایش، کرامات و عنایات الهی می‌باشد، شده است. اشاره به امور قدسی همچون امدادهای غیبی و رخدادهای مذهبی مثل آگاه شدن رزمندگان پاک‌طینت از توطئه‌های مرگبار دشمن و یا شهادت خود و هم‌زمان به گونه‌ای الهامی، یا باخبر شدن پیشاپیش مادران از شهادت فرزندان خود در جبهه به مدد کشف و شهود باطنی و یا رؤیاهای صادقانه‌ی مرتبط با مسایل جنگ از مواردی است که با نگرشی عرفانی و پارسایانه در

ادبیات داستانی جنگ مطرح شده و به فراخور توانایی نویسندگان در پرورش موضوع و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای باورپذیر کردن این امور، توفیقاتی هم حاصل شده است<sup>(۱)</sup>؛ اما وارد کردن نیروهای ماورایی و برآمده از حوزه‌ی غیب در داستان‌ها، بدون زمینه‌سازی‌های مناسب با توجه به تنگی محدوده‌های مجاز در نزدیک شدن به مفاهیمی از این قبیل، برخی از داستان‌های عرصه‌ی جنگ را گرفتار کاستی‌های چشمگیری نموده است» (خادمی کولایی، ۱۳۸۶: ۴۰۲).

خادمی کولایی بر این نظر است که نه فقط شکل و محتوای ادبیات داستانی جنگ از آفات و آسیب‌ها بر حذر نمانده است، بلکه این ادبیات به لحاظ تکنیک، صنعت و فناوری‌های زبانی و بیانی نیز دارای دو آفت اساسی است:

▪ داستان‌های جنگ بدون بهره‌مندی و یا کم بهره‌گیری از فنون علمی به نگارش در آمدند. «شمار قابل توجهی از نویسندگان سربرآورده از کوران جنگ، نوقلمان پرشوری بودند که با وجود نداشتن الگوی مناسب برای خلق داستان، و ضعف دانشی و معرفتی در علوم همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و سیاست، و ناآشنایی با ترفندها و شگردهای تازه‌ی قصه‌نویسی، بیشتر به اقتضای مسئولیت‌های رسالت‌آمیزی که بر دوش خود احساس می‌کردند، دست به نوشتن داستان‌هایی با موضوع دفاع مقدس زدند. با وجود انباشتگی انبان تجربه‌ی زیستی این نویسندگان از مضامین مرتبط با جنگ، نداشتن ورزیدگی تکنیکی و مهارت‌های لازم ادبی سبب شده است که نوشته‌های آنان از ویژگی‌هایی چون غنای جوهره‌ی هنری، زیرساخت‌ها و اسکلت‌بندی‌های استوار، صنعت و اصول فنی مناسب، طنین و ضرباهنگ متناسب با جست و خیز و التهاب‌های داستان، زبان گفتاری تر و تازه، پرداخت و پرورش شخصیت‌های شناسنامه‌دار، عمیق و چندوجهی، و لحن صمیمی و حس‌برانگیز، بی‌بهره بمانند و به سبب رویکرد محوری به شیوه‌ی گزارشی و روایت‌گرانه، در ارائه‌ی تصاویری اصیل، صادقانه و صمیمی از دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های درونی افراد مواجهه با جنگ و پرداختن به زمان‌های دست‌چین‌شده‌ی داستانی کم‌فروغ و رو به افول جلوه کنند» (خادمی کولایی، ۱۳۸۶: ۴۰۴-۴۰۳).

▪ بهره‌گیری مقلدانه از شیوه‌های غیربومی و مدرن در ادبیات داستانی بدون توجه به زمینه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ خودی و بومی.

۱۰. بی‌توجهی یا کم‌توجهی در پای‌بندی به اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب مربوط به ایثارگران و خانواده‌های شهدا. نمونه‌ای از این نقیصه نتیجه‌ی تحقیقی است که به‌وسیله رضایی نوده و همکارانش در استان گلستان در خصوص «طرح ترویج فرهنگ ایثار و

شهادت» انجام شده است: «بر اساس قانون و مفاد موجود در تصویب‌نامه‌ی شماره‌ی ۹۴۹۵/ت/۲۴۴۶۵ هـ مورخ ۸۱/۲/۱ هیأت محترم وزیران، پیرامون بند «د» ماده‌ی ۱۵۹ قانون برنامه‌ی سوم توسعه با عنوان آیین‌نامه‌ی طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، سازمان‌های مختلف، متولی انجام وظائف در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت شده‌اند که بررسی‌های انجام گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که در استان گلستان دستگاه‌ها به صورت جزیره‌ای عمل نموده‌اند و اگر هم در زمینه‌ی ترویج فرهنگ فوق، اقداماتی را انجام داده‌اند، بیشتر جهت جذب اعتبار و بودجه بوده است و زمانی که از دستگاه‌ها بر اساس پرسش‌نامه‌ی تنظیم شده، خواسته شد که اقدامات و فعالیت‌ها و میزان بودجه دریافتی و هزینه شده را بیان نمایند، هیچ یک از دستگاه‌ها به پرسش‌نامه پاسخ ندادند و تنها صدا و سیما به پرسش‌نامه‌ی فوق پاسخ داد؛ اما از نظر علمی و عملی، پاسخ‌های آن‌ها، قابلیت استفاده نداشت و می‌توان گفت که پاسخ به سئوالات پرسش‌نامه تنها جهت رفع تکلیف بوده است» (رضایی نوده و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۱۹).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

منظور از چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت چیست؟ منظور از این چالش‌ها آن آفات، نقایص، خلاءها، توهمات و موانعی است که در راه درک، معرفی، پرورش و توسعه‌دهی این فرهنگ (ماهیت، ضرورت و اهمیت، آثار و کارکردهای آن و نیز عوامل تأثیرگذار بر این فرهنگ) در جامعه و در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی وجود دارد. هدف اصلی این مقاله پاسخ‌دهی به پرسش مطرح شده براساس فراتحلیل یازده مقاله از مقاله‌های چاپ شده در مجموعه‌ی مقالات آسیب‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت است. کلیه‌ی این مقالات، به جز تعداد اندکی که به چالش‌های واحدی (مثل تقلید و تکرار در به‌کارگیری هنر و فنون برای ترویج این فرهنگ) در حیطه‌های مختلف اذعان و اشاره نموده‌اند، بر آسیب‌های خاص و متمایز تمرکز نمودند.

اگر چه در خصوص چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت رویکردها و چارچوب نظری خاصی یافت و تدوین نشده است، اما بر اساس الگوی پیوستار عینی-ذهنی سطوح واقعیت‌های اجتماعی می‌توان استدلال نمود که این چالش‌ها نیز می‌تواند به عنوان واقعیت‌های اجتماعی تلقی گردد و در نتیجه بر حسب امکان قرارگیری در این سطوح (عینی، ذهنی و مختلط) توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل شوند.

فراتحلیل یازده مقاله‌ی جزء جامعه‌ی آماری این تحقیق، به وجود ده چالش اساسی در راه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه اشاره دارد. این چالش‌ها در دو سطح عینی و ذهنی قابل طبقه‌بندی هستند. چالش‌های عینی به کلیه‌ی کنش‌ها، اقدامات، خدمات و محتواهای منفی و ناقصی اشاره دارد که در فضای خارج از ذهن وجود دارد و قابل مشاهده و اشاره هستند.

چالش‌های تبیین شده در شماره‌های ۵ تا ۱۰ این مجموعه در این دسته قرار می‌گیرند. چالش‌های ذهنی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نیز به آن دسته از اموری اشاره دارند که در افکار و ذهن‌ها وجود دارند و قابل لمس نیستند. این چالش‌ها همان دیدگاه‌ها، باورها، تصورات، گرایش‌ها غیر واقعی و منفی و توهنات اجتماعی هستند که در خصوص معنا و مفهوم ایثار و شهادت، ابعاد و نیز نوع و میزان خدمات و تسهیلاتی که به ایثارگران و بازماندگان جنگ ارائه می‌شود، وجود دارد. در این دسته از چالش‌ها، آسیب‌های تشریح شده در موارد ۱، ۲، ۳، و ۴ قرار می‌گیرند.

وجود چنین چالش‌های در راه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه به امنیت، وحدت اجتماعی و انسجام اسلامی صدمه می‌زند و استمرار چنین آفاتی مایه‌ی شکاف اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی خواهد شد. این در حالی است که می‌توان از ترویج صحیح چنین فرهنگی در جامعه می‌توان به نتایج مثبتی دست یافت و به همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، عزت اجتماعی و ارتقای روحیه‌ی ذلت‌ناپذیری کمک فراوان نمود.

بنابراین، آگاهی از این چالش‌ها و تلاش در اتخاذ سیاست‌های معقول و قابل دفاع و نیز برنامه‌ریزی صحیح در کاهش و رفع این آفات ضروری می‌نماید. این مهم می‌تواند در دستور کار نهادهای مسئول خاصه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد و سیاست‌های اتخاذی و برنامه‌های تدوین شده‌ی این شورا نیز توسط مراکز و نهادهای اجرایی خاصه وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رسانه‌ها خاصه صدا و سیما جدی گرفته شود. نقش رسانه‌های جمعی خاصه تصویری و به ویژه تلویزیون در این مهم کلیدی است. به عنوان مثال، تهیه فیلم‌های مستند از نوع و میزان خدماتی که کشورهای جهان به رزمندگان، بازماندگان و خانواده‌های آنان (و نیز خدمات دهندگان به این‌ها) ارائه می‌کنند و وظایفی را که دولت‌ها در این خصوص به عهده می‌گیرند، اعتبار و احترامی که مردم، دولت‌مردان و نخبگان این کشورها برای ایثارگران و خانواده‌های آنها قائلند و همچنین تعداد و کیفیت موزه‌ها و بناهای یادبود در این کشورها، می‌تواند در تنویر افکار عمومی و ایجاد و توسعه‌ی رویکرد مثبت (یا مثبت‌تر) به آنها مؤثر باشد. نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های اتخاذ شده در زمینه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و نیز انجام مطالعات علمی مستمر در این خصوص اموری ضروری هستند که از قبل آنها می‌توان به ترویج این فرهنگ و دستیابی به بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی (مثل افزایش امنیت اجتماعی، ارتقای عزت اجتماعی) کمک نمود.

## منابع و مآخذ

- آهنگر سلانی، اعظم (۱۳۸۶). «همسران شهدا، مروجان اصلی فرهنگ ایثار و شهادت». در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۲۰۱-۱۹۱.
- احمدی، فریبا (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت». در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۴۲-۱۳.
- اعظم‌زاده، محمد (۱۳۸۶). «نقش هنر گرافیک در ترویج و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت». در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۳۸۷-۳۷۱.
- خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی ادبیات داستانی جنگ». در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۴۱۴-۳۸۹.
- دلاور، علی (۱۳۷۶). «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی». چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.
- ربیع نتاج، سید علی‌اکبر (۱۳۸۶). «آسیب‌ها و عوامل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در اسلام»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۱۱۰-۸۹.
- رضائیان، محسن (۱۳۸۵). «واژه‌نامه‌ی توصیفی فراتحلیل». مجله‌ی ایرانی آموزش در پزشکی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). «نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷). «فراتحلیل مطالعات سرمایه‌ی اجتماعی در ایران»، راهبرد فرهنگ، سال اول، شماره‌ی سوم، ص: ۱۲۴-۹۹.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). «توهم اجتماعی در تجلیل از ایثارگران جنگ: تجربه‌ی جهانی»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۲۴۸-۲۲۷.
- شعاع احمدی، آذر (۱۳۸۶). «راهکارهای احیای فرهنگ ایثار و شهادت»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۱۲۷-۱۱۱.
- صمیمی، حمیدعلی (۱۳۸۶). «سردم، فرهنگ ایثار و شهادت و آسیب‌شناسی آن»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۱۵۱-۱۲۹.
- محمد رضای نوده، علی اکبر، سرگزی، حسینعلی، کابلی، قاسمعلی، و آلوستانی، زینب (۱۳۸۶). «شناسایی عوامل و موانع ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (مطالعه موردی: استان گلستان)»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۲۲۲-۲۸۱.
- منصورزاد، محمد (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی یک مرگ (خودکشی) و تکریم مرگی دیگر (شهادت)»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۱۸۹-۱۵۳.
- مهرام، بهروز و نبی‌زاده، بتول (۱۳۸۶). «کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت»، در مجموعه‌ی مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۶، بابلسر، ۳۳۹-۳۲۳.